«شرکت اسلامیه» الگویی موفق در ترغیب مردم به حمایت از کالای ایرانی

# دور انداختن لباس ذلت و بر تن کردن جامه عزت

احمدرضا صدری

**در سالی که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به حمایت از کالای ایرانی نامیده شده است، بهنگام است که نمونه‌های موفق تولید ملی و جلب حمایت مردم از آن، از دل تاریخ معاصر شناسایی و به عموم مردم نمایانده شود. در مقالی که پیش روی شماست، یکی از مصادیق این رویکرد خودباورانه، یعنی تأسیس «شرکت اسلامیه» مورد بازخوانی قرار گرفته است. این واحد اقتصادی که با هدف تولید منسوجات مرغوب داخلی و با حمایت حضرات آیات حاج شیخ‌محمدتقی نجفی اصفهانی و حاج آقانورالله نجفی اصفهانی و نیز عموم مردم علاقه‌مند تأسیس شد، در مدتی کوتاه توانست موفقیت‌هایی درخور را از آن خود کند. مرور بر تجربه‌هایی از جنس شرکت اسلامیه بر ما آشکار می‌سازد که در شرایطی که امکاناتی بس فراتر از آن دوره در اختیار باورمندان به استقلال و عزت ملی است، قطعاً می‌توان در این عرصه تجربیاتی بس ارجمندتر رقم زد و چرخه اقتصاد ملی و تولید داخلی را به سمت خودکفایی به گردش درآورد و ایدون باد.**

پس از موفقیت تحریم تنباکو توسط مرجع والامقام وقت یعنی آیت‌الله العظمی میرزاحسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی و پا پس کشیدن استعمار انگلیس در اثر این حرکت ملی و مردمی، علما بیش از پیش بر این امر واقف شدند که تحریم کالاهای خارجی، به تقویت تولید و سرمایه داخلی منجر خواهد شد. این حرکت هم بعد سلبی داشت و هم بعد ایجابی. بعد سلبی آن تحریم کالاها و اجناس خارجی و نفی سلطه اقتصادی بیگانگان بود و بعد ایجابی آن تلاش برای دستیابی به خودکفایی اقتصادی، ارتقای کیفیت کالاهای داخلی در جهت عدم وابستگی به محصولات خارجی. بدیهی است که تحریم کالاهای خارجی به مفهوم فقهی حرام دانستن آنها نیست، بلکه مقصود پرهیز از استفاده از این محصولات در صورت وجود معادل داخلی آن است.

**«شرکت اسلامیه» در آغازین گام**

فضای ایجاد شده پس از نهضت تحریم و رویکردهای سلبی و ایجابی ناشی از آن، موجب شد تا در سال ۱۳۱۶هـ ق، یعنی حدود هفت سال پس از قیام تنباکو، «شرکت اسلامیه» توسط حضرات آیات حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و حاج آقانورالله نجفی اصفهانی در شهر اصفهان تأسیس شده تا جمع زیادی از طریق به‌کارگیری امکانات داخلی، برای تولید منسوجات ایرانی بسیج شوند و ذوق و ابتکار ایرانی در خلق محصولاتی کم‌نظیر به کار افتد. مرحوم آیت‌الله آقانجفی اصفهانی پس از نماز جماعت در مسجد جامع سلطانی (مسجد شاه)، با استناد به آیات و روایات، از جمله آیات مربوط به اجتناب از دوستی و معاشرت با کافران، از مردم می‌خواهد که از خرید کالاهای خارجی خودداری و به تولید کالاهای داخلی کمک کنند. روزنامه حبل‌المتین در شماره ۲۰ خود گزارشی بدین مضمون دارد: حاج شیخ محمدتقی آقانجفی سخنرانی مبسوطی درباره اجتناب از استفاده از کالاهای خارجی ایراد و مردم را به ترک کالاهای خارجی و خرید کالاهای داخلی تشویق کرده‌اند. علمای اسلام هم در این امر مقدس با کمک‌های مالی خود شرکت و عموم مردم را به این کار خیر تشویق کرده‌اند. از خدا می‌خواهیم این گونه سرپرستان و دلسوزان ملت را در پناه خود محفوظ بدارد.

**اهداف تأسیس شرکت اقتصادی اسلامیه**

«شرکت اقتصادی اسلامیه اصفهان» با هدف مهم تقویت تولید داخلی در برابر نفوذ اقتصادی بیگانگان تأسیس شد. آیت‌الله آقانجفی اصفهانی در نامه‌هایی که برای مطبوعات فرستاد، به این نکته اشاره کرد که هدف از تأسیس این شرکت، دستیابی به خودکفایی اقتصادی و بی‌نیازی از بیگانگان است، زیرا نیاز به کالاهای خارجی موجب تسلط بیگانگان و کفار بر مسلمانان شده و این امر خلاف نص صریح قرآن است که امر بر نفی سلطه کفار بر مسلمانان و پایمردی بر اصل عزت مسلمین است. در آیه ۱۴۱ سوره نساء آمده است: «وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً: خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است».

آقانجفی اصفهانی در نامه‌ای به روزنامه حبل‌المتین اشاره می‌کند که: رجای واثق دارم که با اهتمام علمای اعلام و توجه مسلمانان، صنایع و کالاهای کشورهای اسلامی پیشرفت خواهند کرد، کما اینکه در اصفهان، لباس اغلب مسلمانان از منسوجات اسلامی است. ان‌شاءالله این منسوجات آن‌قدر تولید خواهند شد که برای عموم مسلمانان کافی خواهند بود. بر شما و مسلمانان لازم است هر قدر که در توان دارید، مسلمانان را متوجه این معنا بکنید که نیازی به منسوجات و کالاهای خارجی نباشد. در پی این اقدام، روزنامه ثریا، این عالم دینی را آغازکننده ترقی و پیشرفت ایران می‌داند و تأکید دارد: رؤسای روحانی ملت و امرای دولت ایران، معنی وطن و ترقی آن را فهمیده و درصدد ارتقا به مدارج عالی برآمده‌اند. اگر نام مبارک آقانجفی اصفهانی را سرآغاز ترقی و پیشرفت ایران بدانیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

اهداف و فصل‌های اساسنامه «شرکت اقتصادی اسلامیه اصفهان» نشان می‌دهد که این عالم دینی (آیت‌الله آقانجفی اصفهانی) چه دید وسیعی داشته و تا چه حد به مشکلات جامعه زمان خود واقف بوده است. با نگاهی به این اهداف، به عمق تفکر این فرزانه زمان آگاه و به‌روز بودن افکار وی پی می‌بریم:

*دسترسی به سود بیشتر به نسبت فعالیت‌های فردی از طریق راه‌اندازی شرکت. *خروج از خواری و ذلت وابستگی به کالاهای خارجی. *تقویت و تثبیت تجارت داخلی در برابر بازرگانی خارجی. *جلوگیری از خروج ثروت داخلی به خارج. *جلوگیری از مهاجرت نیروی کار به خارج برای مزدوری و کارگری نزد بیگانگان. *تأمین رفاه بیشتر برای مردم به علت ارزان‌تر بودن منسوجات و کالاهای مورد نیاز آنان که در داخل تولید می‌شوند. *ارائه الگوی تولید و تجارت برای دولت و ملت در آینده. * جلوگیری از رواج معاملات ربوی بیگانگان.

بنابراین تکیه بر تولید داخلی، ممانعت از خروج ثروت ملی و رهایی از ذلت ناشی از وابستگی به بیگانگان و حل مشکلات مردم از مهم‌ترین اهداف تأسیس این شرکت بوده است. تأکید بر کار جمعی به جای فردگرایی، حل مشکلات معیشتی مردم، جلوگیری از خروج ثروت ملی و تلاش در جهت تقویت استقلال اقتصادی که لاجرم منجر به تقویت استقلال سیاسی می‌شود، از اهداف مهم تأسیس این شرکت بوده است. مؤسسین این شرکت در اساسنامه آن تأکید دارند: این شرکت، آب رفته را به جوی بازآورد و رشته گسیخته تجارت داخلی ما را محکم خواهد کرد. وطن و مملکت ما آباد و صنایع منقرض شده ما را احیا خواهد نمود و ما را از ذلت وابستگی به کالاهای خارجی نجات خواهد داد. جلوی ورود کالاهای فاسد خارجی را که روح و ثروت ما را به باد می‌دهد می‌گیرد و صنایع استادان خودمان را که دیدگان تمام صنعتگران عالم را به خود جذب کرده‌اند، به وضعیت اولیه باز خواهد گرداند. راه‌های کشور شوسه و راه‌آهن گسترده و حمل و نقل ما تسهیل خواهد شد و از قحط‌سالی و تجاوزات محتکران بی‌انصاف رها خواهیم شد. فرزندانمان تربیت خواهند شد و هزاران تن از برادران دینی ما که در پی یافتن شغل، تن به مزدوری بیگانگان می‌دهند، در داخل کشور مشغول کار خواهند شد.

تأسیس «شرکت اقتصادی اسلامیه ایران» با استقبال عظیم مردم روبه‌رو شد. مردم سراسر کشور به اندازه‌ای خوشحال بودند که در بعضی از شهرها، از جمله بوشهر و کاشان به هنگام ورود لباس‌های این شرکت مجالس جشن و شادمانی برگزار شد، به گونه‌ای که در هیچ عیدی، چنین شادمانی و سروری در مردم دیده نشده بود. در کیفیت بالای این منسوجات وطنی همین بس که مأموران بلژیکی گمرک و سایر خارجی‌ها هم از آنها خریدند و بسیار تعریف کردند.

**حمایت عمومی مردم از فعالیت و محصولات شرکت اسلامیه**

انتشار خبر آغاز به کار شرکت اسلامیه، استقبال عمومی از آن را موجب شد. رسانه‌های داخلی و خارجی نیز به این اقدام توجه زیادی کردند و اخبار موفقیت این شرکت به زودی همه جا پخش شد. آیات آقانجفی اصفهانی و حاج‌آقا نورالله اصفهانی در پاسخ به نامه‌های تشکر فراوانی که دریافت می‌کردند، این اقدام را جهاد اقتصادی نامیدند. آقانجفی در پاسخ به روزنامه ثریا اظهار داشت: به اعتقاد من، این اقدام خیر، امروز به منزله جهاد است و نزد خداوند ثواب و اجر عظیم دارد، زیرا ملت و امت را از نیاز به کفار که مانع بزرگی است، بازمی‌دارد.

علمای اسلامی در مناطق مختلف، تمام قامت از این اقدام - که در جهت حفظ منافع اقتصادی جامعه اسلامی و مقابله با سلطه بیگانگان بر مسلمین بود- حمایت جدی کردند و علمایی چون آیات عظام آخوند ملامحمدکاظم خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی، میرزاحسین تهرانی، محمد غروی شربیانی، ملامحمدحسن مامقانی، میرزافتح‌الله شیرازی اصفهانی معروف به شریعتمدار، میرزا محمدحسین نوری معروف به محمد شانوری، صدر اصفهانی و... به وسیله اعلامیه، فتوا، سخنرانی، تألیف کتاب و... از این اقدام حمایت کردند. از جمله آیت‌الله آخوند ملامحمدکاظم خراسانی در نامه‌ای از شاه خواست با دور انداختن لباس ذلت و بر تن کردن لباس عزت، به رواج منسوجات اسلامیه بپردازد تا از این طریق هم حکومت تقویت شود و هم مسلمین و عامه مردم به رفاه برسند و هم به مقتضای «النّاسُ عَلی دِینِ مُلُوکِهِم»، مردم هم رویه بزرگان خود را ادامه بدهند که به قول سعدی: «کهن جامه خویش پیراستن / به از جامه عاریت خواستن». ایشان حتی برخی از وعاظ را روانه شهرها و روستاهای مختلف کردند تا مردم را در جریان امر قرار دهند و از آنان بخواهند که از منسوجات شرکت اسلامیه اصفهان استفاده کنند.

**منطق عالمان دین در حمایت از فعالیت شرکت اسلامیه**

مهم‌ترین نکته‌ای که در این اعلامیه‌ها و مکتوبات تاریخی علما در حمایت از شرکت اسلامیه در آن دوره به چشم می‌خورد، تعابیری چون «دور انداختن لباس ذلت و بر تن کردن لباس عزت» است که مانع سلطه بیگانگان بر امور مسلمانان می‌شود و دقیقاً از فرهنگ سیاسی شیعه برگرفته شده‌اند. نکته مهم دیگر این است که برای رسیدن به خودکفایی و استقلال اقتصادی و رونق تولیدات داخلی، باید حرکتی ملی در جهت پرهیز از تجمل و روی آوردن بر قناعت صورت بگیرد. آیت‌الله حاج‌آقا نورالله اصفهانی در یکی از سخنرانی‌هایش به این نکته چنین اشاره می‌کند: امروز بر ملت ایران و مسلمانان واجب است که لوازم زندگی خود را حتی‌المقدور از کالاهای داخلی تأمین کنیم و حتی اگر این کالاها کیفیت چندان بالایی ندارند، در بند ظرافت نباشیم و ثروت خود را به دست بیگانگان ندهیم... استقبال از محصولات این شرکت به‌قدری گسترش پیدا کرد که حتی برای تهیه لباس مدارس علمیه و مدارس جدید و لباس‌های فرم نظامی هم از منسوجات این شرکت استفاده می‌شد.

**گسترش حوزه کاری شرکت اسلامیه**

با استقبال گسترده‌ای که از محصولات «شرکت اقتصادی اسلامیه اصفهان» صورت گرفت، به‌زودی حوزه فعالیت آن از اصفهان فراتر رفت و در شهرهای دیگر نیز شعبی دایر شد، حتی در شهرهای مهم دنیا، از جمله پاریس، لندن، مسکو، بمبئی، کلکته، بغداد، بادکوبه، قاهره و... هم شعبه‌هایی راه‌اندازی شدند. با توسعه فعالیت اقتصادی این شرکت، حوزه کاری آن از منسوجات فراتر رفت و در بعضی از امور مهم اقتصادی از قبیل حمل و نقل، ساختن راه‌آهن، راه‌اندازی کارخانه نخ‌ریسی (ریسمان‌تابی) و... هم فعالیت می‌کرد. گسترش سریع شرکت اسلامیه، منافع اقتصادی بیگانگان را به‌شدت به خطر انداخت، به طوری که روزنامه‌ها و نمایندگان انگلیس، توسعه آن را موجب وارد آوردن سکته به منافع انگلیس در کل حوزه خلیج فارس اعلام کردند. در نتیجه سفارت انگلیس به‌سرعت به فکر چاره‌اندیشی افتاد و سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه خود نوشت: «طبق اخباری که از اصفهان می‌رسد، علمای آنجا بر ضد کالاهای خارجی قیام کرده و آنها را نجس شمرده‌اند. علما از افراد معتبری که جنس خارجی می‌خرند، بد می‌گویند و آنها جرئت خرید جنس خارجی ندارند. آقانورالله گفته است که این یک حرکت وطن‌خواهانه است که تولید داخلی را تشویق و کالای خارجی را تحریم کنند. به این ترتیب تجار انگلیسی در اصفهان و سایر شهرها ورشکست خواهند شد.» رسانه‌ها و نمایندگان انگلیس گسترش این شرکت را مغایر با منافع کشور خود دانستند و در یک واکنش عجولانه اعلام کردند نکته مهم در تأسیس این شرکت، پیشگامی، حمایت، تشویق و مشارکت علما در این امر است که بر اعتبار آن به‌شدت می‌افزاید و منافع انگلیس را نه تنها در اصفهان که در حوزه خلیج فارس به خطر می‌اندازد. بازرگانان ما باید طوری رفتار کنند که تجارتشان از رونق نیفتد و الا باید در انتظار از دست دادن بازار اصفهان و سپس ایران باشند.

ترقی و پیشرفت و رشد روزافزون شرکت اسلامیه و درآمدهای آن به‌قدری سریع بود که با ابتکار و حرکت جهادی آیت‌الله حاج‌آقا نورالله اصفهانی و همراهی علما و اقشار مختلف مردم، بخش زیادی از مشکلات جدی کشور در عرصه‌های اقتصادی با این حرکت استقلال‌طلبانه حل شد و در عصری که روس و انگلیس مستقیماً در امور ایران دخالت می‌کردند، این شرکت توانست تا حدودی از سلطه استعمارگران بر ایران بکاهد. بدیهی است اینک که به یمن انقلاب اسلامی و در زمانه‌ای که بیگانگان هیچ اختیاری در عرصه‌های سیاسی کشور ما ندارند، انجام این گونه حرکت‌های جهادی با سهولت بیشتری امکانپذیر است و بدین وسیله می‌توان کارآمدی نظام اسلامی و حکومت دینی را به رخ همه جهانیان کشید.

نخستین صفحه از نظامنامه شرکت اسلامیه

**با استقبال گسترده‌ای که از محصولات «شرکت اقتصادی اسلامیه اصفهان» صورت گرفت، به‌زودی حوزه فعالیت آن از اصفهان فراتر رفت و در شهرهای دیگر نیز شعبی دایر شد. حتی در شهرهای مهم دنیا، از جمله پاریس، لندن، مسکو، بمبئی، کلکته، بغداد، بادکوبه، قاهره و... هم شعبه‌هایی راه‌اندازی شد. با توسعه فعالیت اقتصادی این شرکت، حوزه کاری آن از منسوجات فراتر رفت و در بعضی از امور مهم اقتصادی از قبیل حمل و نقل، ساختن راه‌آهن، راه‌اندازی کارخانه نخ‌ریسی (ریسمان‌تابی) و... هم فعالیت می‌کرد**

آیات: شیخ محمدتقی نجفی و حاج آقانورالله اصفهانی از بانیان شرکت اسلامیه

**گسترش سریع شرکت اسلامیه منافع اقتصادی بیگانگان را به‌شدت به خطر انداخت، به طوری که روزنامه‌ها و نمایندگان انگلیس، توسعه آن را موجب وارد آوردن سکته به منافع انگلیس در کل حوزه خلیج فارس اعلام کردند. در نتیجه سفارت انگلیس به‌سرعت به فکر چاره‌اندیشی افتاد**

## پیشخوان

حاشیه‌ای بر انتشار پژوهش تاریخی «زندگی سیاسی و اجتماعی سیدعبدالله بهبهانی»

### گام آغازین در طریقی خطیر

شاهد توحیدی

اثر تاریخی- پژوهشی «زندگی سیاسی و اجتماعی سید عبد ا لله بهبهانی» را می‌توان گامی آغازین در طریقی خطیر دانست، چه اینکه طی این همه سال که از رویداد مشروطیت ایران گذشته است، هنوز شناختنامه‌ای جامع و درخور برای این شخصیت نامدار تاریخ معاصر به رشته تحریر درنیامده است. کوتاهی خاندان، علاقه‌مندان و البته خطرات سخن گفتن از چهره‌ای که برای بازشناسی او باید چالش‌هایی فراوان را از سر گذراند، می‌تواند از علل این امر باشد. اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به همت شهریار بهبهانی از اعضای خاندان بهبهانی به رشته تحریر درآمده و از این نظر که تقریباً آغازین قدم در این راه ناپیموده است، باید آن را به فال نیک گرفت. مؤلف در دیباچه خویش بر این اثر، در تشریح اهمیت موضوع کتاب خود آورده است: «گزارش‌های موثق تاریخی حاکی از آن است که از آن هنگام که شعله مشروطیت رو به افول گرفت و فضای کشور رو به اختناق رفت، حقوق مطروحه در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن که ثمره نهضت و مبارزات ملت بود؛ در اکثر موارد نادیده گرفته شد. لحظات اولیه دوران مشروطیت بیشتر به هرج و مرج شبیه بود تا دموکراسی و تنها در بخش‌هایی بسیار کوتاه از ادوار استقرار نظام مشروطه و آن هم به دلایل عدیده داخلی یا بین‌المللی، ملت ایران توانست به مردم‌سالاری نزدیک‌تر شود. ملت ایران، پس از قرن‌ها اسارت و تحمل منحط‌ترین حکومت‌های استبدادی- به خصوص سلسله قاجاریه- با سرعتی باورنکردنی (و شاید بیش از اندازه سریع) قدم در راهی گذارد که از موانع و پیچ و خم‌های آن هیچ شناخت و تجربه‌ای نداشت و در این میان نیز همواره با دسیسه‌های صاحبان قدرت سنتی داخلی و توطئه‌های قدرت‌های خارجی روبه‌رو گردید اما نکته قابل تعمق آن است که حقوق مطروحه ملت که عصاره‌اش در قانون اساسی و متمم آن تجلی یافت، از چنان حقانیتی برخوردار بود که چهار پادشاه دوران مشروطه به دلیل نقص آن یا عدم کفایت و لیاقت در استقرار آن، سرنوشتی جز سقوط نیافتند.

دوستداران تاریخ، با چهره‌های این انقلاب چه از میان مستبدان و چه از گروه آزادیخواهان و مبارزان آشنا هستند. خوشبختانه، در مورد اکثر چهره‌های این نهضت، متون و کتب بسیاری نوشته و تدوین شده است، اما شاید یکی از ناشناخته‌ترین شخصیت‌ها با توجه به نقش و میزان تأثیرش در این انقلاب، سیدعبدالله بهبهانی می‌باشد. بهبهانی، یکی از چهره‌های انقلاب مشروطیت است که برخی وی را رهبر این انقلاب و عده‌ای وی را یکی از رهبران برشمرده‌اند.

به رغم این موضوع و پس از گذشت یک قرن از وقوع انقلاب مشروطه، تلاش مستقلی برای شناخت و شناسایی وی به عمل نیامده است. درباره نقش‌آفرینان این انقلاب، منابع مختلفی اعم از وقایع‌نگاری، بیوگرافی و اتوبیوگرافی موجود است اما بهبهانی نه خود فرصت آن را یافت تا حوادث زندگی‌اش را به رشته تحریر درآورد و نه اطرافیان، بازماندگان و همرزمانشان بدین کار همت گماردند. این در حالی است که در کلیه متونی که درباره انقلاب مشروطیت نوشته شده و با سرگذشت‌ها و خاطرات نقل شده از این دوران لاجرم افعال و کردار وی ثبت شده است؛ ولیکن، کتابی که به صورت مستقل به زندگی سیاسی او پرداخته باشد، تاکنون تهیه نشده است.»

شهریار بهبهانی در بخش دیگری از مقدمه خود درباره چگونگی تدوین این زندگینامه نوشته است: «این اثر تلاش می‌کند با استفاده از کتب، مقالات و متون چاپ شده درباره حوادث اجتماعی و سیاسی ایران در فاصله نهضت تحریم تنباکو تا انقلاب مشروطیت به معرفی تفضیلی این چهره سیاسی بپردازد. در این میان برای روشن‌تر شدن برخی زوایای زندگی این رجل سیاسی از بعضی اسناد چاپ نشده و همچنین تاریخ شفاهی نیز استفاده شده است. آنچه باعث شد نگارنده به این اقدام دست زند، مبتنی بر دو دلیل مشخص بوده است: نخست آن که من، به عنوان یکی از نوادگان بهبهانی به صورت غریزی به شناخت وی و آنچه که او انجام داده است، علاقه‌مند بوده و هستم؛ ضمناً علاقه‌ام به تاریخ ایران به خصوص تاریخ دوره قاجاریه دلیلی بر تدوین این کتاب شد. از طرف دیگر، چنانچه هر فرد علاقه‌مندی به مطالعه تاریخ انقلاب مشروطیت همت گمارد و به دنبال یافتن تصویری روشن از شخصیت و عملکرد نقش‌آفرینان این انقلاب باشد، به جرئت می‌توان ادعا کرد که در خصوص بهبهانی به صورت نسبی نیز توفیقی حاصل نمی‌نمایند چراکه کتب و متون موجود هر یک نقشی متفاوت و ابعاد شخصیتی گوناگونی را از این چهره معرفی کرده‌اند که خواننده را از رسیدن به یک جمع‌بندی در مورد وی ناتوان خواهد ساخت. اگرچه، گوناگونی ابعاد شخصیتی هر انسان، همواره راه شناخت را نسبی و غیرقطعی می‌سازد اما اظهارنظرهای ضد و نقیض و نسبت دادن خصوصیات اخلاقی و رفتاری، دو سر یک طیف می‌تواند در راه شناخت هر چهره سیاسی موانع بسیاری به وجود آورد و این همان اتفاقی است که درباره سیدعبدالله بهبهانی رخ داده است؛ بدین معنا که در معرفی بهبهانی ما شاهد اظهار نظراتی کاملاً متفاوت هستیم به صورتی که می‌توان براساس متون موجود، وی را فردی فداکار تا منفعت‌طلب و رشوه‌خوار، وطن‌دوست تا خائن و مستقل تا وابسته تعریف کرد. برخی او را فردی انقلابی که در پی استقرار نظام سیاسی جدید بوده پنداشته‌اند و برخی دیگر حضور وی در صحنه انقلاب را ناشی از غرض شخصی و ضدیت با عین‌الدوله دانسته‌اند. برخی او را فردی فداکار دانسته که یک‌تنه مقابل استبداد می‌ایستد و در مقابل گلوله، سینه سپر می‌سازد و برخی او را مردی طماع و اهل زد و بند معرفی می‌کنند که در هر شرایطی آنچه برایش اهمیت دارد، منافع مادی است. برخی او را حامی انقلاب و انقلابیون و مصلح اجتماعی می‌دانند و برخی دیگر او را وابسته به امین‌السلطان و سیاست بیگانگان! گرچه وی مانند هر انسان و هر رجل سیاسی در کنار محاسن، معایب و نقاط ضعفی نیز دارد، ولی قضاوتی این چنین دوگانه و برشمردن صفاتی این چنین ناسخ و منسوخ، راه را بر شناخت نسبی وی ناهموار می‌سازد. هرچند قضاوت مورخین درباره بهبهانی متفاوت می‌باشد ولی اکثر آنان در یک مطلب اتفاق نظر دارند و این نکته را مهدی بامداد در شرح حال رجال ایران چنین بیان می‌سازد: «سیدعبدالله، برای هر نظری که فرض شود یکی از پیشوایان و مؤسسین مشروطیت ایران است که زحمات بی‌شماری را در این راه متحمل شد.»

اگر این گفته بامداد را بپذیریم، خوانندگان با نگارنده هم‌عقیده خواهند بود که جای یک اثر که مستقلاً به زندگی سیاسی سیدعبدالله بهبهانی پرداخته باشد، در خیل عظیم مطالب و آثار مدون این مقطع تاریخی ایران عالی است و امیدوارم اثر مورد معرفی ما بتواند این نقصان را مرتفع سازد و آرزومندم از نظر محتوایی نیز چنین کند.»

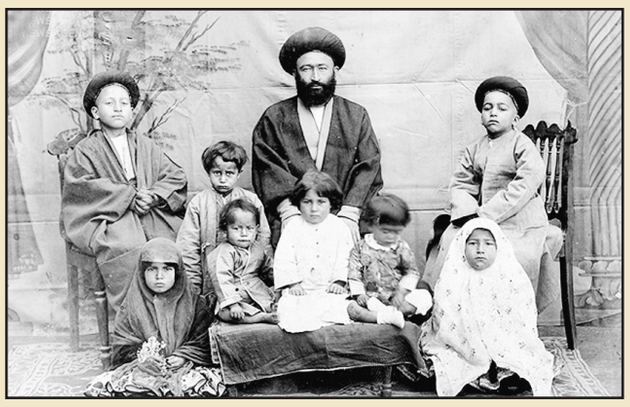

آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی در کنار تنی چند از فرزندان و نوادگانش